



عهد و گفتگو

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد چائاتان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نیکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه و تفسیر توره ربای حیم شیمل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زرفری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنرا در فصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج پیماندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

The Courage to Live with Uncertainty

Noach

شهامت زیستن با عدم قطعیت

برای هر یک از ما راهنشان هایی در سیرو سلوک معنوی/عرفانی وجود دارد که مسیر زندگی ما را تغییر می دهند و ما را به راهی جدید می اندازند. برای من یکی از این لحظه ها وقتی بود که در کالج یهودیان دانشجوی رینیکال بودم و از موهبت شاگردی یکی از بزرگترین محققان مطالعات رینیکال، زنده یاد ربای دکتر ناحوم راینوویچ، بهره مند بودم.

او یک غول بود، یکی از عمیقترین هارامبام شناسان دوران مدرن و همچنین متخصص در هر زمینه مربوط به ادبیات تلمودی و یکی از جسورترین و مستقل ترین مفسران تورات بود، به گونه ای که چندین جلد کتاب پاسخ به پرسش های او گواه این امر هستند. او همچنین نشان داد که شهامت روحانی که امروزه بسیار کمیاب است، چه معنایی دارد.

موقعیت خاصی نبود. او فقط در حال انجام یکی از دیوره توره (تفسیر تورات) های خود بود. هفته پاراشای نوح بود. اما میدراشی که او نقل کرد بسیار شگفت انگیز بود. در واقع یافتن آن

بسیار دشوار بود. این میدراش در کتابی به نام تنه‌ومای بوبر منتشر شده بود که در سال ۱۸۸۵ پدر بزرگ مارتین بوبر، شلومو، از روی دست‌نوشته‌های قدیمی بازنشر داده بود. این متنی بسیار قدیمی بود - برخی آنرا به قرن پنجم میلادی نسبت می‌دادند - که همپوشانی‌هایی با یک میدراش باستانی داشت که متن کامل آن به نام میدراش یلمدنو، دیگر در دسترس ما نیست.

این متن در دو بخش است و تفسیری است بر کلام خدا با نوح: "سپس خدا به نوح گفت: "از کشتی بیرون بیا. (پیدایش ۸:۱۶). در میدراش آمده:

نوح به خود گفت: از آنجا که من فقط با اجازه (از سوی خدا) وارد کشتی شدم، آیا باید بی اجازه خارج شوم؟ خداوند یکتای متعال به او گفت: "آیا منتظر اجازه هستی؟ اگر چنین است به تو اجازه می‌دهم." سپس خدا به نوح گفت: "از کشتی بیرون بیا."

میدراش سپس می‌گوید: ربی یهودا بریلی گفت: "اگر من آنجا بودم، درهای کشتی را می‌شکستم و خودم را از آنجا خارج می‌کردم."^۱

درس اخلاقی که ربی راینوویچ از این میدراش بیرون کشید - تنها درس ممکن - این بود که وقتی با بازسازی یک دنیای درهم شکسته سرو کار داریم، نباید منتظر اجازه بمانی. خدا به ما اجازه را می‌دهد. او از ما انتظار دارد که بیرون برویم و شروع کنیم.

البته این بخشی از سنتی بود که راشی در تفسیر پیدایش ۶:۹ بیان کرده بود و نکته مرکزی فهم حکیمان از این امر بود که چرا خدا تبار بنی اسرائیل را نه با نوح، بلکه با ابراهیم آغاز کرد. تورات می‌گوید که نوح "با خدا راه می‌رفت" (پیدایش ۶:۹). اما خدا به ابراهیم گفت: "به راه

¹ The Midrash seems to be based on the fact that this is the first verse in the Torah where the verb *d-b-r* (to speak) is used. The root *a-m-r* (to say) has a similar meaning but there is a slight difference between them. *D-b-r* usually implies speaking harshly, judgmentally. See also Ibn Ezra ad loc., who senses from the text that Noah was reluctant to leave the Ark.

خودت برو" (پیدایش ۱۷:۱). پس این نکته جدید نبود، اما تاثیر و قدرت این میدراش بس حیرت انگیز است.

من ناگهان دریافتم که این بخش مهمی از ایمان یهودیت است: داشتن شهادت پیشگام شدن، انجام کاری جدید، پیمودن راه های کمتر پیموده و خطر کردن در وادی های ناشناخته. این کاری است که ابراهیم و سارا با خروج از زادگاه و خانه و خاندان پدری خود کردند. همان کاری است که بنی اسرائیل در زمان موسی هنگام شروع سفر در بیابان تنها به راهنمایی یک ستون ابر در روز و یک ستون آتش در شب انجام دادند.

ایمان دقیقا یعنی شهادت ریسک کردن و دانستن این امر که "حتی اگر در دره سایه های مرگ گام بردارم، از هیچ شری نمی هراسم، زیرا تو با من هستی" (مزامیر ۲۳:۴). به ایمان نیاز بود تا ادیان دوران باستان را به چالش بگیرند، به ویژه وقتی که در دل سرزمین های بزرگترین امپراتوری های جهان بودند. یهودی ماندن در دوره سلطه فرهنگ هلنی یونان به ایمان نیاز داشت، وقتی یهودیان و یهودیت در برابر فرهنگ های جهانی شده یونان باستان و امپراتوری اسکندر قرار داشتند.

به ایمان ربی یهوشوع بن گمالا نیاز بود تا در قرن اول نخستین نظام آموزش و پرورش اجباری را سامان دهد (بابا بتر ۲۱ الف) و به ایمان ربانان یوحنا بن زکای که بفهمد یهودیت بقای خود از پی باختن استقلال و خرابی معبد تنها بر پایه های یک آکادمی مرکب از حکیمان و یک فرهنگ تفسیر و تفکر در مورد تورات می تواند استوار کند.

در دوران مدرن حتی با آنکه بسیاری از مغزهای متفکر یهودی، ایمان خود را رها کردند، اما این بازتاب باستانی به بقای خود ادامه داد. دیگر به چه شواهدی نیاز داریم تا ببینیم که یک اقلیت کوچک در اروپا و ایالات متحده آمریکا توانستند این چنین ذهن دنیای مدرن را شکل بدهند و

هر یک پیشتاز رشته خود بشوند: آينشتاين در فيزيك، دوركهايم در جامعه شناسي، لوي استروس در انسان شناسي، مالر و شوينبرگ در موسيقي و كل سلسله اي از اقتصاددانان نوآور از ديويدي ريكدردو (قانون مزيت مقايسه اي) تا جان فون نومان (نظريه بازی ها) تا ميلتون فريدمن (نظريه پولی) تا دانييل كهنمن و آموس تورسكي (اقتصاد رفتارها).

آنها رشته هاي روانشناسي، روان درماني و روانكاوي را از فرويد تا حلقه او تا ويكتور فرانكل (معنادرماني)، آرون تي. بك (رفتارشناسي شناختي) و مارتين سليگمن (روانشناسي مثبت) را در اختيار خود داشتند. پيشتازان هاليوود و صنعت فيلم تقريبا همگي يهودي بودند. حتي در رشته موسيقي پاپ دستاوردهاي آنها شگفت انگيز بود، از ايروينگ برلين و جرج گرشوین، استادان موزيكال هاي آمريكايي تا باب ديلون و ليونارد كوهن دو شاعر تراز اول موسيقي پاپ در قرن بيستم.

در بسياري موارد، يهوديان همانند سرنوشت همه نوآوران با سدي از انتقاد، نفرت پراكني و مخالفت يا نادیده گرفتن روبرو بودند. بايد فرد براي تنها شدن آمادگي داشته باشد: در بهترين حالت او را بد مي فهمند و در بدترين حالت او را بد جلوه مي دهند و هتك حرمت مي كنند. به قول آينشتاين "اگر نظريه نسبيت اثبات شود كه درست است، آلمان مرا آلماني اعلام مي كند و فرانسه مرا شهروند جهاني خواهد ناميد. اگر غلط بودن نظريه من اثبات شود، فرانسه خواهد گفت كه من آلماني هستم و آلمان اعلام خواهد كرد كه من يهودي هستم." براي پيشتاز بودن كه يهوديان به آن شهرت دارند، بايد آماده باشي كه مدتي طولاني را در بيابان سر كني.

سرگذشت صيونيست هاي اوليه همين گونه بود. آنها از همان ابتدا از حدود دهه ۱۸۶۰ و ديگران از دهه ۱۸۸۰، هرتصل پس از محاكمه دريفوس مي دانستند كه روشنگري اروپا و

رهایی شکست خورده بود و سرزمین اروپا با وجود دستاوردهای عظیم علمی و سیاسی جایی برای یهودیان نداشت.

برخی از صیونیست ها دیندار بودند و دیگران سکولار، اما مهمتر این که همگی آنچه را میدراش تنهوما روشن کرده بود می دانستند: وقتی پای بازسازی یک دنیای درهم شکسته یا یک رویای شکست خورده در میان است، نباید منتظر اجازه آسمان ها بشوید. آسمان ها می گویند: به پیش!

این یک کارت سفید نیست که با آن بتوان هر کاری کرد. همه نوآوری ها سازنده نیستند. برخی از آنها می توانند ویرانگر نیز باشند. اما این اصل "روی سر راه رفتن"، این که آفریدگار از ما که بزرگترین خلقت او هستیم می خواهد که خلاق باشد، همان چیزی است که یهودیت را یگانه می سازد، زیرا بالاترین ارزش را به فرد انسان و شرایط انسانی می دهد. ایمان، شهادت مخاطره کردن در راه خدا یا هموعان است. خطرها در راه کمین می کشند، اما دانستن این که خدا با ما است اگر خواست خود را با خواست او همخوان کنیم، به ما قدرت می دهد. ایمان به معنای قاطعیت نیست، بلکه ایمن، یعنی شهادت زیستن با عدم قطعیت.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved